

اجابت دعا (۳)

دعاهای اجابت شده سینه‌های پاک

در دو بخش گذشته تلاش گردید نشان داده شود مکانیسم "اجابت دعا" امری درونی و فعل و انفعالی نفسانی است که در چارچوب نظامات و توفیقات الهی توسط خود دعاکننده، از طریق برداشتن موانع و پیمودن راه برای رسیدن به مقصود حاصل می‌گردد و دعاهای زبانی و واسطه‌تراشی‌های متعارف در فرآیند اجابت بی‌تأثیر می‌باشند.

آنچه به ظاهر ضرورت تلاش دعا کننده برای برداشتن موانع را نقض می‌کند، نمونه‌های فراوانی است از اجابت دعا در گزارش‌های قرآنی از زندگی برخی پیامبران، که به محض دعا و درخواست از پروردگار، دعایشان مستجاب شده است، بدون آنکه شرطی برای آنها قائل شده و یا مانند نمونه‌های قبلی در مورد انسان‌های معمولی، برداشتن موانع و پیمودن راه به سوی مقصد به آنان توصیه شده باشد!

از آن عجیب‌تر، دعا و درخواست‌های به ظاهر غیرممکن آنهاست که با معیارهای طبیعی، کاملاً غیرمتعارف و محال می‌آمده، با این حال به اجابت رسیده است!! این چه رمزی است که اجابت دعاهای ساده مردم عادی به تلاش خودشان (برای رفع موانع و پیمودن راه) حواله داده شده، اما دعاهای بزرگ و غیرمتعارف پیامبران به سرعت اجابت شده است!؟

پاسخ این سؤال را به نظر می‌رسد در معنای ریشه‌ای کلمه "اجابت"، که همان رفع مانع و حجاب و پیوستن به یار است، باید جستجو کرد و ما در بخش اول این نوشته به تفصیل آن را توضیح داده‌ایم. همانطور که قرآن به صراحت بیان داشته است (از جمله: ق ۱۶، واقعه ۸۵، انفال ۲۴)، خدا از خودمان به ما نزدیک‌تر است و این ماهستیم که از او دور شده‌ایم و برای رسیدن به او باید از خودخواهی‌هایمان که حجاب و مانعی برای دریافت رحمت او شده بگذریم. مسلماً اگر چنین توفیقی حاصل شود، عملاً وصال حاصل شده و اجابت (در معنای دقیق کلمه) تحقق یافته است.

وین عجب تر که من از وی دورم
در کنار من و من مهجورم

دوست نزدیک تر از من به من است
چه کنم، با که توان گفت که دوست

به این ترتیب با توجه به وعده قطعی پروردگار که هر کس مرا بخواند مسلماً دعایش اجابت می‌شود (از جمله: بقره ۱۸۶، نمل ۶۲، غافر ۶۰)، پیامبرانی که با از "خود" گذشتگی و اخلاص، منیت‌های خود را قربانی کرده و به او رسیده‌اند، مشمول این وعده حق قرار می‌گیرند و خواسته‌های خالص‌شان عین اجابت می‌گردد! مگر مواردی (همچون حضرت نوح برای نجات پسر منحرفش) که تحت تأثیر احساسات و عواطف انسانی، خواسته‌های بشری و مغایر با مصلحت ربوبی مطرح کرده باشند، و در این صورت البته مورد هشدار و تهدید و تنبیه هم قرار گرفته‌اند که نمونه‌های فراوانی در قرآن گزارش شده است.

نمونه‌های زیر تنها برخی از دعاهای اجابت شده سینه‌های پاک و دل‌های سوخته‌ای است که از خود گذشته و به محبوب رسیده بودند:

دعای حضرت زکریا (ع) برای فرزند

به نقل قرآن (در سوره‌های مریم آیات ۱ تا ۱۵ و آل عمران ۳۸ تا ۴۱)، حضرت زکریا (ع) هنگام ایراد این دعا و ندای پروردگار پیرمردی فرتوت و همسرش از ابتدا عقیم و نازا بوده است، بنابراین از طریق عوامل طبیعی و معیارهای متعارف چنین درخواستی ممتنع و محال به شمار می‌آید، با این حال دعای او از آنجا که تقاضای فرزند را برای تداوم بخشیدن به رسالت بیداری مردم و پیگیری پیام‌های موحّدانه آل‌یعقوب طلب کرده بود، و تنها "رضایت رب" را برای این فرزند آرزو می‌کرد، این دعای خالص از خودخواهی که یک‌سره برای منظوری معنوی بود، برآورده گردید.

دعای یونس (ع) در دل نهنگ دریا

ابتلای حضرت یونس را قرآن در سوره‌های متعددی (از جمله: انبیاء ۸۷ تا ۸۸، قلم ۴۸ تا ۵۰، صافات ۱۴۳ تا ۱۴۸) نقل کرده است که از شگفتی‌های زندگی پیامبران است. در شرایط عادی نجات از بطن ماهی و دریای موج امری غیرممکن به شمار می‌رود، اما سوايق درخشان او در ایمان و عمل صالح و دعاهاى توحیدی خالصش توأم با توبه و تسلیم و اعتراف به خطایش در ترك قوم، دعای خلاصی او را به اجابت رساند و آینده درخشانی برای خودش و قومش رقم زد! چه بسا این داستان درکنار پندهای پرگهرش، نمادی هم از امکان خلاصی از زندان به مدد دعای خالص باشد.

دعای یوسف (ع) در طوفان مکرها و مراوده‌های جنسی

برای کسی مثل یوسف که برده زرخیدی در کاخ مقامی درباری در نظام فرعون بود و در آن روزگار برده‌ها فاقد ارزش و آزادی بودند، امکان فرار از کاخ و نجات از تمناهای همسر عزیز مصر وجود نداشت، بنابراین به طور عادی چاره‌ای جز تسلیم به خواسته نامشروع ارباب نبود، اما پناه بردنش به پروردگار هنگامی که زلیخا درهای کاخ را بسته و خود را به او عرضه نمود، درهای رحمت ربوبی را بروی او باز کرد و دعای خالصانه‌اش برای نجات از وسوسه زنان درباری، هنگامی که در دو راهی تسلیم به تمایلات نفسانی یا تحمل شکنجه و زندان قرار گرفت و زندان را برننگ و نکبت ابدی ترجیح داد، به اجابت و نجات رسید.

دعای ایوب (ع) در جنگال بیماری و غم فقدان عزیزان!

ایوب به دردی ظاهراً بی‌درمان گرفتار شده بود که در روزگار گذشته علاجی برای آن نبود. علاوه بر آن، همسر و فرزندان نیز به دلیلی که برای ما روشن نیست (شاید فرار از سرایت بیماری) او را ترك کرده بودند. به این ترتیب هم جسم، و هم جان و روانش سخت پریشان و آسیب دیده بود، با این حال به دلیل اخلاصش در عبادت و صبر و تحملش در ابتلائی که محبوب مبتلاش کرده بود، دعایش به اجابت رسید؛ هم از بیماری لاعلاج بهبودی یافت و هم خانواده‌اش به او بازگشتند و دو برابر شدند (سوره‌های ص ۴۱ و انبیاء ۸۳ و ۸۴).

اجابت دعای او البته به هدایت ربوبی با توصیه به آب تنی کردن و نوشیدن از چشمه آبی سرد (معدنی) و مصرف ترکیبی گیاهی تحقق یافت و نشان داد که حتی صعب‌العلاج‌ترین بیماری‌ها و سنگین‌ترین غم و غصه‌ها نیز بیرون از امکان و اعجاز اخلاص در دعا نیست و انسان به نیروی لایزالی که خداوند در دل‌های پاک قرار داده است، می‌تواند غیرممکن‌هایی را ممکن سازد.

دعای ابراهیم (ع) برای مردم و آیندگان

از شگفت‌ترین ادعیه انبیاء که نه تنها از مسائل شخصی و خانوادگی فراتر بود، بلکه ابعاد مکانی و زمانی را نیز در نوردیده، در گستره‌ای بسیار وسیع نسل‌های بعدی را در برگرفت! دعای حضرت ابراهیم بود.

ابراهیم از همان زمان که توسط پدرش تهدید به سنگسار و تبعید از شهر و دیار شد، به دامن دعای پروردگار متوسل شد و اظهار امیدواری کرد که محروم از اجابت او نباشد:

(ابراهیم) گفت: تو را به سلامت؛ من از پروردگارم برای تو درخواست آمرزش خواهم کرد، که او نسبت به من مهربان است. من از شما و بت‌هایی که به جای خدا (به نیایش) می‌خوانید، کناره می‌گیرم و پروردگارم را دعا می‌کنم، امیدوارم از خواندن او بی‌بهره نباشم.

آن قدر که قرآن از دعاهای حضرت ابراهیم نقل کرده، گمان نمی‌کنم از هیچ يك از پیامبران نقل کرده باشد! برخی از این ادعیه جنبه شخصی و خانوادگی دارد، اما بسیاری از آنها برای مردم معاصر و حتی نسل‌های آینده است که برخی از آنها را مشاهده می‌کنید:

۱- دعای تبدیل دره خالی از سکنه مکه، به شهری امن:
ابراهیم ۳۵- وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ
و یاد کن هنگامی را که ابراهیم گفت پروردگارا این شهر را ایمن گردان و مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار

۲- دعای مشتاق شدن دل‌های مردم به رفتن به سوی این کانون توحید
ابراهیم ۳۷- ... فَأَجْعَلْ أَقْدَةَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ
... پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده

۳- دعای برخورداری مردم این دره فاقد استعداد کشاورزی و دامداری از رزق الهی
ابراهیم ۳۷- ... وَارْزُقُهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ
... و آنان را از محصولات مورد نیازشان روزی ده باشد که سپاسگزاری کنند

۴- دعای آموزش برای خود و والدین و همه مؤمنین.
ابراهیم ۴۱- رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ
پروردگارا روزی که حساب برپا می‌شود بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای

۵- دعای برانگیخته و بالنده شدن انسان ممتازی از میان گرویدگان به این آئین توحیدی برای نجات بشریت در نسل‌های آینده!

بقره ۱۲۹- رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
پروردگارا در میان آنان فرستاده‌ای از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند زیرا که تو خود شکست‌ناپذیر حکیمی

شگفت این که همه این درخواست‌ها اجابت شده است؛ هم دره مکه آن روزگار، تبدیل به تنها مرکز امن و امان در دل صحرای عربستان با قبائل وحشی در حال قتل و غارت یکدیگر شد، هم دل‌های مؤمنینی از اقصی نقاط جهان شیفته طواف کعبه و مکه پایگاه بزرگترین تجمع بشریت گردید و هم بعد از حدود ۲۰۰۰ سال دعای ابراهیم برای برانگیخته شدن انسان ممتازی (عیناً با همان خواسته‌ها) با بعثت پیامبر اسلام اجابت گردید! (سوره جمعه آیه ۲).

دعای مادر حضرت مریم (س)

در دنیای امروز بیش از دو میلیارد مسیحی مدیون دعای زن بیوه‌ای هستند که با خالصانه‌ترین شوق قلبی فرزند عزیزتر از جاننش را، که قرار است به زودی متولد شود، به پروردگار محبوبش هدیه می‌کند تا به عنوان خدمت‌گذار وقف معبد گردد!

پروردگار نیز این دعای بی‌شک و شائبه را به بهترین شکل می‌پذیرد و نه تنها مریم را به بهترین شیوه می‌پروراند و بر همه زنان عالم سروری می‌دهد، بلکه فرزندش عیسی مسیح (ع) را نیز الگو و نمونه‌ای برای امت بنی‌اسرائیل می‌سازد.

به راستی چه کسی باور می‌کرد دعای يك زن دل سوخته و بیوه مانده (همسر عمران) چنین برکات جهان شمولی داشته باشد؟! وقتی فاصله‌ها برداشته و اتصال برقرار گردد، اجابت این چنین معجزه می‌کند!

دعای حضرت سلیمان (ع)

دعای حضرت سلیمان (ع) برای دستیابی به مُلکی (حکومت و قدرتی سیاسی) که در آینده نیز هیچ کس به چنان پایه و تسلطی نرسد! نیز از عجائب دعا و اجابت آن، و از شگفتی‌های قصص انبیاء است. البته با توجه به مجموعه آیاتی که در قرآن درباره این پیامبر آمده است، می‌توان دریافت که سلیمان چنین شوکت و قدرتی را نه برای ارضاء حس جاه طلبی و جمع قدرت و ثروت، بلکه برای دفع اقوام وحشی متجاوز و ایجاد چنان امنیت و آرامشی طلب می‌کرد که بندگان بتوانند در سایه آن به زندگی سالم و خدمت و عبادت بپردازند.

دعاهای موسی و هارون (علیهمالسلام) برای نجات بنی اسرائیل

در قرآن، فرعون سمبل و نماد استکبار و استعلا، و قوم بنی‌اسرائیل نماد استضعاف و استنمارشمرده شده است که تحت سلطه مثلث: فرعون (نماد فریب اعتقادی)، هامان (نماد قدرت نظامی سرکوبگر) و قارون (نماد قدرت اقتصادی وابسته و استنمارگر) دمار از روزگار این قوم اسیر و برده در سرزمین مصر درآورده بود.

برحسب محاسبات ظاهری، که نظام مسلط و مقتدر باید روز به روز قوی‌تر و مردم مظلوم روز به روز ضعیف‌تر گردند. هیچ روزنه امیدی در آن روزگار برای نجات به چشم نمی‌خورد. اما مشیت خدا که بر آزادی ملت‌های تحت ستم و حاکم ساختن آنان بر مقدرات و سرنوشت خویش استوار شده است، این شرایط غیرعادلانه را به سود ملتی که تحت رهبری حضرت موسی به استقامت پرداخته بود تغییر داد.

نقش دعاهای موسی و هارون در این ماجرا بسیار کارساز و تعیین کننده بوده است و اجابت پروردگار در توصیه به امت برای ادامه استقامت و احتراز از گرایش به ناآگاهان در پی همان دعاها آمده است (یونس ۸۹).

موارد فوق فقط نمونه‌هایی از اجابت خواسته‌های به ظاهر محال در زمینه‌های متنوع بود. قرآن مثال‌های دیگری نیز از اجابت دعای پیامبران دیگر آورده است که باورمندان را کفایت می‌کند. آیا نمی‌توان گفت که تاریخ را دعاهای سینه‌های پاک و اراده‌های نیرومند و پشتکار مردان و زنانی مصمم ساخته است!؟

بی عنایات خدا، هیچیم هیچ
گر ملک باشد سیاهستش ورق
با تو یاد هیچ کس نبود روا

این همه گفتیم لیک اندر بسیج
بی عنایات حق و خاصان حق
ای خدا! ای فضل تو حاجت روا